

یا رفتار آزاردهنده در فضای مجازی، فوری و بدون ترس موضوع را به والدین خود گزارش دهند.

وی با اشاره به این که برای جلوگیری از آسیب های جسمی، روحی و روانی، والدین باید بر فعالیت فرزندان خود در فضای مجازی نظارت داشته باشند، توضیح داد: برقراری و حفظ رابطه عاطفی عمیق و مؤثر با فرزندان در محیط خانواده، تقویت خودکنترلی با توجه فرزندان به معنویت و ارتقای دانش و آگاهی سایبری آنان، کنترل و نظارت والدین بر فعالیت مجازی فرزندان و همراهی با آنان در محیط های آنلاین از راهکارهای فرزندپروری در عصر دیجیتال است.

سرهنک معظمی گودرزی با اشاره به راهکارهای حفاظت از کودکان در شبکه های اجتماعی بیان کرد: قابلیت احراز هویت دو عاملی را برای حساب کاربری کودک در شبکه های اجتماعی فعال کنید، امکان افزودن ناخواسته حساب کاربری کودک را به گروه ها و کانال های شبکه اجتماعی غیرفعال کنید، از دوستان مجازی کودک، شناخت کامل و بر فعالیت وی نظارت داشته باشید، به کودکان آموزش دهید بدون اطلاع والدین اقدام به انتشار اطلاعات خود و خانواده نکنند.

رئیس پلیس فتای تهران بزرگ با اشاره به این که والدین

تنظیمات امنیتی را فعال و حتما بر فعالیت کودکان نظارت داشته و مراقب ارسال تصاویر باشند، توصیه کرد: به کودکان و فرزندان خود پیاموید هرگز اطلاعات شخصی نظیر نشانی، شماره تلفن یا سایر اطلاعات مانند تصاویر خانوادگی را از طریق اینترنت برای افراد غریبه ارسال نکنند، چون در اینترنت هرکسی می تواند خود را شخص دیگری معرفی کند، موارد مشکوک را از طریق تماس تلفنی با مرکز فوریت های سایبری با شماره تماس ۰۹۶۳۸۰ یا مراجعه به سایت پلیس فتا به نشانی www.cyberpolice.gov.ir با کارشناسان این پلیس در میان بگذارید.

خاطره جنایی

تشریح

ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۳
چهارشنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۲ | شماره ۱۰۴۳

حکم مرگ در محکمه خانوادگی

رمزگشایی از معمای قتل دختری جوان که قربانی جنایت خانوادگی شده بود، یکی از خاطره های کارآگاهان پلیس آگاهی بوده که این هفته برای تپش روایت کرده است

چند سال قبل در اداره مشغول رسیدگی به پرونده های دارای قاتل فراری بودم که مامور کلانتری عوارضی رنگ زد و گفت مردم محلی جنازه ای را در ۸ کیلومتری خارج از شهر که در میان انبوه درختان رها بوده کشف کرده اند.

خیلی زود با تیم تشخیص هویت به محل جنایت رفتیم و از روی تجمع مردم، محل را پیدا کردیم. آن بخش کنار جاده پر از درخت بود. وقتی به محل رسیدیم متوجه شدیم جنازه نیم سوخته متعلق به دختری جوان تقریباً ۲۰ ساله است که به علت فساد تقریباً متلاشی شده بود. یک دست مقتول هم نبود.

پس از اقدامات لازم، جنازه مجهول الهویه به پزشکی قانونی انتقال داده شد و پس از بررسی ها، علت مرگ اصابت جسم برنده به نقاط سینه و شکم تشخیص داده شد.

در پرونده های کشف جسد، در جست و جوی هویت مقتول بودیم. پس از تحقیقات و کسب اخبار از طریق فعال کردن منابع و مخبرین، اخباری مبنی بر ناپدید شدن دختر جوان خانوادگی به دست آمد. در بررسی های نامحسوس، فردی از همسایگان خانواده مورد نظر با تایید مفقود شدن مرموز دختر همسایه، عنوان کرد: «حدود یک ماه پیش صدای ضجه و جیغ از منزل شان می آمد.»

شاهین، پدر خانواده را به اداره قتل آگاهی احضار و در مورد سرنوشت دخترش نرگس از وی سؤال کردم.

شاهین رنگش عوض شد و با برافروختگی جواب داد: «دخترم یک ماه است که به خانه عمویش در شهرستان رفته است». در مورد جیغ و داد در خانه شان سؤال شد که انکار کرد و گفت هیچ اتفاقی در خانه اش رخ نداده است.

با بازپرس پرونده هماهنگ کردم و او در همان اداره آگاهی بازداشت شد. سریع سراغ همسرش رفتیم، همسرش تا فهمید از آگاهی هستیم ناله کنان داخل خانه رفت و یک کارد سلاخی بزرگ با خودش آورد. گریه کنان گفت: «جناب سروان! من خانه نبودم، این یزیدها دخترم را با این کشتند و نمی دانم جنازه اش را کجا بردند.»

با انتقال سهیلا به اداره آگاهی، او با شوهرش مواجه شد. شاهین چاره ای جز بیان حقیقت نداشت. گفت: «جناب سروان من سواد ندارم، می گویم، شما بنویسید. نزدیک به ۴۰ روز پیش نرگس دخترم بی اطلاع شب به خانه نیامد، خیلی دنبالش گشتیم، ولی پیدایش نشد. دو پسر ۲۲ و ۲۵ ساله ام خیلی حرص خوردند. فردا صبحش با نیتانم به میدان بار رفتیم. حوالی ظهر به خانه برگشتم متوجه شدم نرگس برگشته و اگر وساطت زعم نبود پسرهایم او را به قتل می رساندند، چون شنیدم که نرگس شب گذشته را با پسری سپری کرده است. مطمئن بودم

پسرهایم نرگس را می کشند، از این که آنها مرتکب چنین کاری شوند نگران بودم. ناچار خودم به بهانه حرف زدن نرگس را با نیتانم به خارج از شهر بردم. یک کارد سلاخی زیر صندلی ام جاساز کرده بودم. نرگس می ترسید و گریه می کرد، او را به سمت درخت ها بردم، چند ضربه با همان کارد سلاخی به سینه و شکمش زدم. نیم ساعتی طول کشید تا تمام کند. چهار لیتر بنزین رویش پاشیدم و جنازه دخترم را به آتش کشیدم، شعله های آتش زبانه می کشید و من به شعله ور شدن نرگس خیره شده بودم.»

پرسیدم: جنازه پس از کشف شدن یک دست نداشت، دستش را تو قطع کردی؟

جواب داد: نه من قطع نکردم شاید رویا یا شغالی پس از خاموش شدن دستش را کنده.

شاهین با صدور قرار بازداشت روانه زندان شد. داستانی که او تعریف کرده بود را یک بار مرور کردم. حس می کردم پازلی از این داستان کم است. دوباره به محل کشف جسد رفتم و آنجا را بررسی کردم. سرنخ ماجرا یا همان پازل را آنجا پیدا کردم. این دختر در محل دیگری به قتل رسیده و سپس جسدش

به آنجا منتقل شده بود. در حالی که شاهین در بازجویی مدعی شد پسرانش نقشی در قتل نداشته اند، با بررسی این سرنخ مشخص شد پسرهای غیرتی شاهین به خاطر رابطه نامشروع خواهرشان نرگس با پسری غریبه، وی را در خانه به قتل رسانده اند و شاهین فقط نقش انتقال و آتش زدن جنازه را به عهده داشته است.

شاهین با علم به مجازات نشدن پدر در قتل فرزند، برای جلوگیری از مجازات پسرانش قتل دخترش را به عهده گرفت. با مشخص شدن این موضوع و همکاری مادر خانواده دو پسر را دستگیر کردیم.

پسر ۲۵ ساله ادعا کرد من قاتل خواهرم هستم، چون او بی ناموسی کرده بود و آبروی ما را برده بود. وقتی مجش را با پسر جوان گرفتیم و فهمیدیم دوست پسر دارد او را با چاقو و کارد سلاخی کشتم و پدرم جنازه را به بیرون از خانه برد.

با اعترافات متهمان پرونده را تکمیل و به دادسرا فرستادم تا محاکمه شوند. بارها در هشدار به خانواده ها خواسته ایم از اقدامات خودسرانه خودداری کرده و از طریق پلیس، مشاوره و دستگاه قضایی سعی در حل مشکل خود داشته باشند. اقدامات خودسرانه سرانجامی جز پشیمانی و دردسر نخواهد داشت.

